



بنیاد ایران‌شناسی

بسمه تعالی

شماره ۷/۴۰۸
تاریخ ۹۰/۲/۲۵
پست

جناب آقای عبدالله صفرزایی
بدین وسیله گواهی می‌شود مقالات تیز، چابهار، ایرانشهر،
سراوان و قصرقند که توسط جناب عالی نگارش یافته است.
مورد تأیید و در مرحله چاپ قرار گرفته است.

دکتر محمدرضا نصیری
مدیر طرح شهرهای ایرانشهر

نشانی: تهران، خیابان شیخ بهایی
خیابان ایران‌شناسی
صندوق پستی:

۱۴۶۶۵-۱۱۴۶

تلفن: ۸۸۰۶۶۱۴۶-۸

دورنگار: ۸۸۰۶۶۱۴۹

پست الکترونیکی:

lrfo@iranologyfo.com

فهرست مدخل‌ها و نویسندگان
جلد ششم
س

- ساری: زهرا قسری مله
سالتند: احسان افکنده
سامان: مرضیه شفیعی شهرکی
سامن: یزدان فرخی، فرانک یعقوبی
ساوه: فروغ روحانی شهرکی
سبزوار: رضا مصطفوی سبزواری
سپیددشت: غلامرضا عزیزی
سجاس: فرزانه رشیدی
سده: پریسا محمدی
سده‌لنجان: فرزانه پاکزاد
سراب: رحیم رضازاده ملک، میرصمد موسوی
سراب دوره: غلامرضا عزیزی
سرایله: یزدان فرخی
سراوان: عبدالله صفورایی ✓
سرایان: علیرضا ترکاشون
سرباز: علی قاسمی
سربیشه: علیرضا ترکاشون
سرپل ذهاب: یعقوب محمدی فر
سرخرود: عادل سعیدزاده
سرخس: مصطفی طالشی
سرخنکلاته: سمیرا سرای لو
سرخه: حسین محمدعلی کمردی
سردرود: عبدالله ساجدی
سردشت (آذربایجان غربی): مطلب مطلبی
سردشت (خوزستان): سید صاحب برزین
سرعین: میرصمد موسوی
سرکان: فرانک یعقوبی
سرمست: عباس مترجم
سرو: ندا صحراپنما
- سروستان: محمد رحیمی
سروش آباد: مطلب مطلبی
سطر: یزدان فرخی
سعادت‌شهر: پریسا محمدی
سعیدآباد: سید صاحب برزین
سفیددشت: مرضیه شفیعی شهرکی
سفیدسنگ: علیرضا ترکاشون
سفیدشهر: نسرین نیک‌اندیش
سقز: یزدان فرخی
سگزآباد: سیروان خسروزاده
سگزی: فروغ روحانی شهرکی
سلامی: علیرضا ترکاشون
سلطان‌آباد: علیرضا ترکاشون
سلطانیه: شهناز سلطان‌زاده
سلماس: شهناز سلطان‌زاده
سلمان شهر: عادل سعیدزاده
سمنان: فروغ روحانی شهرکی
سمیرم: فروغ روحانی شهرکی
سنجان: فاطمه رضایی
سنخواست: علیرضا ترکاشون
سنقر: یزدان فرخی
سنگان: علیرضا ترکاشون
سنگر: علی پورصفر فصایی‌نژاد
سنندج: مطلب مطلبی / فرانک یعقوبی
سودجان: مرضیه شفیعی شهرکی
سوران: عادل سعیدزاده
سورشجان: مرضیه شفیعی شهرکی
سورک: نازین هاشم‌پور سبحانی
سورمق: رضا معینی
سوزا: سید صاحب برزین

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

- عنوان و نام پدیدآور : شهرهای ایران شهر / پژوهش گروهی بنیاد ایران شناسی؛ مدیر طرح محمدرضا نصیری؛ طرح، مقدمه، بررسی و تدوین نهایی حسن حبیبی.
- مشخصات نشر : تهران: بنیاد ایران شناسی، ۱۳۸۹.
- مشخصات ظاهری : ج.: مصور (رنگی)، نقشه، جدول؛ ۲۹×۲۲ س.م.
- شابک : دوره: 2. 978-964-8776-65-1؛ ج. 1: 978-964-8776-59-1؛ ج. 2: 978-964-8776-64-5؛ ج. 3: 978-964-8776-66-9؛ ج. 4: 978-964-8776-72-0؛ ج. 5: 978-964-8776-75-1؛ ج. 6: 978-964-8776-73-7
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : ج. 3 (چاپ اول: ۱۳۹۰) (فیپا)
- یادداشت : ج. 4 - 6 (چاپ اول: ۱۳۹۱) (فیپا)
- یادداشت : کتابنامه.
- مندرجات : ج. 1. آبادان- ایواوغلی- ج. 2. باباحیدر- پیشین- ج. 3. تازه آباد- حویق- ج. 4. خارک- دیهوک- ج. 5. رابر- زیرآب- ج. 6. ساری- سیهرود-
- موضوع : شهرها و شهرستان ها - ایران
- موضوع : ایران - فرهنگ جغرافیائی
- شناسه افزوده : نصیری، محمدرضا، ۱۳۲۴-
- شناسه افزوده : حبیبی، حسن، ۱۳۱۵-۱۳۹۱.
- شناسه افزوده : بنیاد ایران شناسی
- رده بندی کنگره : ۹۵ ۱۳۸۹ / ش DSR۶
- رده بندی دیویی : ۹۱۵/۵۰۰۳
- شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۷۴۳۶۵



عنوان کتاب:

شهرهای ایران شهر جلد ششم ساری - سیهرود

پژوهش گروهی بنیاد ایران شناسی

مدیر طرح: محمدرضا نصیری

(عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)

طرح، مقدمه، بررسی و تدوین نهایی:

حسن حبیبی

ناشر: بنیاد ایران شناسی

تهران، خیابان شیخ بهایی جنوبی، خیابان ایران شناسی

نوبت چاپ: ۱۳۹۱

شمارگان: ۵۰۰



مدیریت هنری:

حمیدرضا بختیاری فرد (عضو هیئت علمی دانشگاه هنر)

لیتوگرافی و چاپ: شرکت ایرانچاپ

صحافی: نگاه

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به بنیاد ایران شناسی است.

فهرست مطالب

عنوان مطلب شماره صفحه
 ■ پیشگفتار ۱۱
 ■ مقدمه ۱۳

ردیف	نام شهر	شماره صفحه	ردیف	نام شهر	شماره صفحه
۱	ساری	۲۴	۳۱	سروستان	۱۷۷
۲	سالند	۳۵	۳۲	سربش‌آباد	۱۸۳
۳	سامان	۳۸	۳۳	سطر	۱۸۷
۴	سامن	۴۴	۳۴	سعادت‌شهر	۱۹۰
۵	ساوه	۵۰	۳۵	سعدآباد	۱۹۶
۶	سبزوار	۶۴	۳۶	سفیددشت	۲۰۳
۷	سپیددشت	۷۲	۳۷	سفیدسنگ	۲۰۷
۸	سجاس	۷۵	۳۸	سفیدشهر	۲۱۰
۹	سده	۷۸	۳۹	سقز	۲۱۷
۱۰	سده‌لنجان	۸۲	۴۰	سگزآباد	۲۲۳
۱۱	سراب	۸۴	۴۱	سگری	۲۲۸
۱۲	سراب‌دوره	۹۱	۴۲	سلامی	۲۳۴
۱۳	سرابله	۹۴	۴۳	سلطان‌آباد	۲۴۰
۱۴	سراوان	۹۷	۴۴	سلطانیه	۲۴۵
۱۵	سرایان	۱۰۵	۴۵	سلماس	۲۵۲
۱۶	سرباز	۱۱۳	۴۶	سلمان‌شهر	۲۵۹
۱۷	سربیشه	۱۲۱	۴۷	سمنان	۲۶۱
۱۸	سرپل‌دهاب	۱۲۶	۴۸	سمیرم	۲۸۱
۱۹	سرخرود	۱۳۱	۴۹	سنجان	۲۹۴
۲۰	سرخس	۱۳۳	۵۰	سنخواست	۲۹۷
۲۱	سرخنکلاته	۱۳۷	۵۱	سنقر	۳۰۵
۲۲	سرخه	۱۴۰	۵۲	سنگان	۳۱۲
۲۳	سردرود	۱۴۴	۵۳	سنگر	۳۱۹
۲۴	سردشت	۱۵۱	۵۴	سنندج	۳۲۲
۲۵	سردشت	۱۵۲	۵۵	سودجان	۳۳۰
۲۶	سرعین	۱۵۷	۵۶	سوران	۳۳۲
۲۷	سرکان	۱۶۷	۵۷	سورشجان	۳۳۴
۲۸	سرمست	۱۷۰	۵۸	سورک	۳۳۸
۲۹	سرو	۱۷۱	۵۹	سورمق	۳۴۱
۳۰	سروآباد	۱۷۳	۶۰	سوزا	۳۴۸



سراوان

که طلوع و غروب خورشید در سراوان با غربی‌ترین شهر کشور یک ساعت و هفده دقیقه اختلاف دارد.

شهرداری سراوان در سال ۱۳۳۳ تأسیس شده است.

■ طبیعت

آب و هوای شهر سراوان گرم و خشک، بیابانی، کویری و کم‌باران است. در زمستان هوا معتدل و متوسط بارندگی در سال ۱۱۰ میلی‌متر است. از مهم‌ترین بادهای منطقه باد شمال است. در فصل پاییز و بهار وزش خنک و ملایمی دارد. در زمستان بسیار سرد است که آن را «گوریچ» می‌گویند و در تابستان به باد «لوار» شهرت دارد که گرمای سوزانی به همراه دارد. بادهای غربی موجب بارش باران و بادهای جنوبی باعث انتقال رطوبت به سراوان می‌شوند. طوفان‌های شدیدی نیز از جانب جنوب غرب می‌وزند که به آنها در اصطلاح محلی «گرو» می‌گویند. اگرچه سرزمین‌های حاشیه‌ای این شهر خاک مرغوب و حاصلخیزی دارند اما بیشتر اراضی سراوان کوهستانی است. رشته کوه معروف سیاهان که از ارتفاعات تفتان شروع شده و تا ناهوک در محدوده پاکستان ادامه دارد تا فاصله ۱۰ کیلومتری شمال شهر سراوان را پوشش می‌دهد.

در سراوان رودخانه دائمی وجود ندارد. رودخانه فصلی ماشکید (ماشکیل) مهم‌ترین رودخانه شهر سراوان است که از دامنه جنوبی شهر خاش سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از بخش زابلی، جنوب سیب و سوران و شمال بم پشت، جنوب اسفندک و کوهک را مشروب می‌کند و در ادامه مسیرش پس از عبور از خاران به سوی غرب تغییر مسیر می‌دهد و به هامون ماشکید می‌ریزد. رودخانه‌های سیمیش و روتک نیز در محدوده شهر سراوان جریان دارند. در کنار رودخانه‌ها قنات‌ها از دیر باز مهم‌ترین منبع تأمین آب کشاورزی اراضی شهر سراوان بوده‌اند. امروزه ۳۳۰ رشته قنات با قدمتی بسیار دیرین در نقاط مختلف این شهر به چشم می‌خورد. برخی از آنها بیش از ۲۰ کیلومتر طول دارند. این قنات‌ها با فنون مهندسی خاصی احداث شده‌اند و شیب آنها طوری طراحی شده که آب از مادر چاه تا مظهر قنات به راحتی جریان دارد.

آبشار «چوتین‌گور» در ناهوک از مناطق دیدنی سراوان است. در نقاط مختلف این شهر از جمله در منطقه «سرجو» درختان سرو بسیار کهنی یافت می‌شود که به آنها در اصطلاح محلی «سول» می‌گویند. سرو کهن «سرجو» با ۲۳ متر ارتفاع، دور تنه آن حدود سه و نیم متر است. درخت مذکور در نزد اهالی محل جنبه تقدس دارد و بسیاری از مردم برای رفع حاجت‌هایشان به زیارت این درخت می‌روند. گیاهان دارویی متنوعی مانند

همچنین باید به امامزاده‌ای که حدود ۱۰ کیلومتری سرابله در روستای تنگ قیر وجود دارد و با نام امامزاده سیدجعفر (ع) شهرت دارد، در میان مراکز آئینی و متبرکه مورد توجه اهالی سرابله اشاره کرد.

■ دانشمندان، شاعران و نام‌آوران

در مورد مشاهیر علمی و فرهنگی این شهر اطلاعاتی در دست نیست.

■ منابع

۱۵۲، ۱۵۴، ۲۷۱، ۵۱۶، ۵۳۴ و تحقیقات میدانی مؤلف.

(۱۴)

سراوان



■ موقعیت شهر

سراوان از شهرهای استان سیستان و بلوچستان در ۶۲ درجه و ۲۰ دقیقه و ۱۹ ثانیه طول جغرافیایی و ۲۷ درجه و ۲۱ دقیقه و ۵۹ ثانیه عرض جغرافیایی در ارتفاع ۱۱۷۰ متری از سطح دریا قرار دارد. فاصله سراوان تا مرکز پاکستان ۱۱۰ کیلومتر و تا مرکز استان (زاهدان) ۳۲۵ کیلومتر است. این شهر به زادگاه خورشید ایران شهرت دارد، به طوری

گیشر، کنار، ترات، برشتوک، داز، گلمروک، دانیچک، ازگند، گوامیچ، گونجت، اسپنتان، پنیر باد و غیره در اطراف این شهر می‌روید. درختان مسن و تنومند گز نیز در بسیاری از نقاط این منطقه می‌رویند و علاوه بر مقاوم بودن در برابر طوفان‌های شن و خشکسالی از فرسایش خاک نیز جلوگیری می‌کنند و در پاکیزگی محیط زیست مؤثر هستند.

از حیوانات وحشی روباه، شغال، گرگ و به صورت خیلی کم کفتار، خرس، پلنگ و غیره است.

■ تاریخ کهن شهر

وجه تسمیه: شهر سراوان در گذشته دهکده‌ای به نام شستان / شهستان / شستون / شستون بوده که در دوره پهلوی اول و احتمالاً از سال ۱۳۰۷ به بعد سراوان نامیده شده و مکان‌های تاریخی «بخشان» و «سرجو» نیز بدان پیوسته و امروزه روی هم‌رفته سراوان نامیده می‌شود. شستان / شستون در اسناد و مکاتبات دوره قاجاریه و حتی در میراث‌نامه‌های محلی که امروزه در اختیار معتمدین محلی هستند و هنوز چاپ نشده‌اند از حدود قرن نهم هجری به بعد یاد شده است. درباره وجه تسمیه شستون یا شستان اظهار نظرهای متعددی ارائه شده است. عده‌ای آن را محل جوشش چشمه آب می‌دانند. عده‌ای دیگر که نظرشان بیشتر مطرح می‌شود آن را با ستون / استون (رعد و برق) مرتبط می‌دانند. در هردو صورت با آب سروکار داریم و اگر خود سراوان را صورت تغییر یافته سرآبان بدانیم می‌توان گفت سراوان یعنی جایی که آب فراوان دارد. البته در بلوچستان پاکستان نیز از مکان‌هایی با عنوان سراوان (جای بلند) و جهلوان (جای پایین) یاد شده و خیلی کم بعضی‌ها اشاره به این دارند که سراوان یعنی جایی که مکانی بلند و مرتفع است.

حیات سیاسی و اجتماعی این شهر سابقه‌ای بسیار کهن دارد. از آثار، قنات‌ها و بقایای برجای مانده چنین بر می‌آید که از زمان‌های قدیم این منطقه معمور و آباد بوده است. به عنوان مثال یافته‌های باستان‌شناسی دانشگاه «مینه سوتای» آمریکا به سرپرستی «گاری هیوم» در طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۶ ش. در تراس رودخانه‌های سیمیش و ماشکید، سنگ‌نگاره‌های متعدد اطراف سراوان و آثار تپه روباهک (دزک) تأییدکننده رونق زندگی شهرنشینی این ناحیه در سال‌های قبل از میلاد مسیح است. در دوران‌های تاریخی و هم‌زمان با تشکیل سلسله‌های تاریخی ایران باستان مانند: مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان از آبادی‌های معروف این شهر به طور خصوصی ذکری به میان نیامده و فقط نام کلی ایالت (بلوچستان) تحت عناوین

مکا، گدروزیا و از زمان ساسانیان به بعد مکران یاد شده و اندک اطلاعاتی از مسائل سیاسی و اداری آن از دوران مذکور برجای مانده است. البته نباید پنداشت که این سرزمین در آن دوره از رونق و آبادانی محروم بوده، بلکه کمبود اطلاعاتی ما بیشتر به فقر منابع آن دوره مربوط می‌شود. طول مسافت و نقشه راه‌هایی که «ابن خردادبه» در قرن سوم هجری از ایران و خصوصاً بلوچستان ارائه داده بر اساس راه‌ها و چاپارخانه‌های دوره ساسانی تنظیم شده است. بنابراین به طور غیر مستقیم از مسالک و ممالک این خردادبه معلوم می‌شود که در دوره ساسانیان آبادی‌ها و شهرهایی در بلوچستان وجود داشته و راه معروف جیرفت به سند از مسیر آن شهرها عبور می‌کرده که این خود نشانگر رونق ارتباطات تجاری، سیاسی، نظامی و غیره در این سرزمین بوده است.

در آثار جغرافی‌نویسان مسلمان در فاصله قرون سوم تا پنجم هجری از «دزک» در ردیف یکی از شهرهای مهم مکران یاد شده است. دزک امروزه به صورت روستایی در فاصله بسیار نزدیکی از شهر سراوان قرار دارد. تا اواخر دوره قاجاریه دزک از رونق فراوانی برخوردار بوده و بر آبادی‌های شستان، بخشان و سرجو که امروزه بر روی هم سراوان نامیده می‌شوند از لحاظ سیاسی سیطره داشته است. بنابراین تحولات سیاسی و تاریخی دزک را به عنوان بخشی از تاریخ سیاسی سراوان پی می‌گیریم. این شهر مقارن ورود مسلمانان به مکران توسط اعراب مسلمان گشوده شد. به علت دوام نیاوردن اعراب در این نواحی اداره سیاسی این ممالک به حکام محلی واگذار شد که با ارسال مالیات پیوندشان را با حکومت‌های مرکزی ایران و مرکز خلافت عباسی حفظ می‌کردند. به نظر می‌رسد در دوره غزنویان حاکمان آنان تسلط بیشتری بر این منطقه داشته‌اند. پس از آن با روی کار آمدن سلجوقیان و تشکیل شاخه‌ای از آنان به نام سلجوقیان کرمان، قدرت آنان در دزک و نواحی پیرامون آن بسط یافت و از یورش‌های چنگیزی و تیموری نیز این شهر بی‌امان نماند.

با روی کار آمدن صفویان در ایران و اعاده مرزهای تاریخی ایران و همچنین تنش‌های مرزی میان صفویان و گورکانیان هند، شاهان صفوی به مرزهای جنوب شرق و از جمله دزک توجه بیشتری نمودند. در حمله گسترده گنجعلی خان حاکم کرمان در دوره شاه عباس آمده است که وی پس از تسلط بر مکران بسیاری از سران آنان را به عنوان گروگان به کرمان انتقال داد که عده‌ای از آنان از دزک بوده‌اند. در طول دوره صفویان حاکم دزک با پرداخت مالیات‌ها اطاعت خود را به

حکومت صفویه ابراز می‌داشت. اما تشدید سیاست‌های مالیاتی و گروگان گرفتن اهالی دزک باعث شد که در هرج و مرج‌های پایانی دوره صفویه حرکت اعتراضی میر خسرو شاه دزکی بر علیه صفویان در سال ۱۱۱۰ ق. به صورت شورش بزرگ در بلوچستان جلوه‌گر شود. نادر شاه افشار با فتوحات چشمگیر خود نه تنها بر این ناحیه بلکه بر کل بلوچستان قدرت خود را مستقر کرد. بعد از مرگ نادر حاکمان دزک در حدود نیم قرن به رؤسای کلات که داعیه حکومت بر تمامی بلوچستان داشتند مالیات می‌دادند. پس از مرگ نصیر خان اول حاکم مقتدر کلات و هم‌زمان با تشکیل حکومت سلسله قاجاریه در ایران بار دیگر خوانین محلی در بلوچستان قدرت را به دست گرفتند. از این میان طایفه بزرگ‌زاده در سراوان شبه قدرتی به هم رساندند و توانستند بر سراوان امروزی و مناطق اطراف آن مسلط شوند.

پس از اتمام جنگ‌های ایران و روس و انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای توجه شاهان قاجاری به نواحی شرقی بیشتر شد. حاکمان قاجاری از طریق نمایندگانشان در کرمان و بم و سرانجام در بمپور مالیات‌ها را از دزک و نواحی اطرافش جمع‌آوری می‌کردند. از دوره قاجاریه به بعد در اسناد و مکاتبات از شستان، سرجو، بخشان و خصوصاً سرآستان نیز در کنار دزک یاد شده است. در این دوره بسته به میزان قدرت قاجارها مردم سراوان مالیات‌ها را می‌پرداختند. البته تشدید سیاست‌های مالیاتی و سخت‌گیری‌های آنان چه بسا منجر به حرکت‌های اعتراضی و مهاجرت‌های گسترده‌ای از اهالی سراوان به نواحی دیگر می‌شد. از مهم‌ترین حوادث دیگر دوران قاجاری توجه انگلیس به سرزمین‌های بلوچ‌نشین بود. انگلیسی‌ها به منظور سیاست ایجاد کمربند حائل به منظور حفاظت هندوستان از مرزهای شمال غربی در فکر تأسیس حکومت مستقل بلوچ‌نشین کلات برآمدند. سرانجام پس از مذاکرات و مشاجرات طولانی در طی دو کمیسیون مرزی یکی در سال ۱۲۸۸ ق. و دیگری در سال ۱۳۱۳ ق. آخرین سال حکومت ناصرالدین شاه، که میان ایران و حکومت کلات با حکمیت انگلیس برگزار شد، مسئله مرزهای ایران در جنوب شرق نهایی شد و سراوان به همراه کوهک و اسفندک در داخل مرزهای ایران قرار گرفت.

پس از انقلاب مشروطه و تضعیف حکومت مرکزی ایران در دوره احمد شاه قاجار حاکمان محلی بلوچستان بیش از پیش قدرت گرفتند. درست در همین زمان قدرت‌گیری ایل بارکزیایی به سرکردگی بهرام خان در بلوچستان افزایش یافت. پس از او

دوست‌محمد خان به مرکزیت ایرانشهر قدرت خود را بر سراوان نیز اسقرار بخشید. وی چون آثاری از نفوذ و اقتدار دولت مرکزی مشاهده نمود خود را حاکم مطلق العنانی قلمداد کرده برای تکمیل استقلال و نفوذ خویش تمام رؤسا و خوانین مخالف را رفته رفته مطیع یا معدوم کرد و قسمت عمده‌ای از بلوچستان را تحت نفوذ خویش درآورد. سرانجام در زمان پهلوی اول در سال ۱۳۰۷ ش، طی عملیات لشکر قشون شرق به فرماندهی سپهد امان الله جهانبانی با جریان مفصلی که شش ماه به طول انجامید در ابتدا قلعه‌های اقماری طرفداران دوست‌محمد خان که قلعه دزک سراوان از مهم‌ترین آنها بود به تصرف درآمد. سرهنگ داورپناه در این قلعه کشته شد و همانجا دفن شد. پس از آن لشکر قشون شرق به طرف ایرانشهر متوجه شد که سرانجام آن به شکست، فرار، تسلیم و تبعید دوست‌محمد خان به تهران منجر شد. از این تاریخ به بعد برای همیشه بلوچستان زیر سیطره حکومت مرکزی قرار گرفت. از سال ۱۳۰۷ تا سال ۱۳۱۶ ش، سیستان و بلوچستان به یک حکومت‌نشین مرکزی و پنج حکومت‌نشین تابعه که سراوان یکی از آنان بود، تقسیم شد. در سال ۱۳۱۶ ش، دو فرمانداری در استان به وجود آمد یکی در سیستان و دیگری در بلوچستان به مرکزیت خاش که سراوان یکی از بخش‌های هشت گانه آن به حساب می‌آمد. این تقسیمات در سراسر کشور مناقشاتی به وجود آورد. به دنبال آن در سال ۱۳۱۸ ش، هیئتی به ریاست تیمسار البرز جهت تجدید نظر در سازمان تقسیمات کشوری مکران به منطقه اعزام شد. هیئت مزبور نظر داد فرمانداری بلوچستان به دو قسمت تقسیم شود، یکی فرمانداری ایرانشهر و دیگری فرمانداری خاش شامل زاهدان، خاش، سراوان، جالق، کوهک، بم پشت و سرباز. از سال ۱۳۲۶ ش، در سراوان فرمانداری تشکیل شد و از آن زمان به بعد به صورت شهرستان اداره می‌شود.

مهم‌ترین بلایا و حوادث طبیعی که در گذشته دامن‌گیر مردم این شهر بوده است در درجه اول باید از خشکسالی یاد کرد. بعد از آن امراضی مهلک و کشنده مانند مالاریا و حوادث دیگری از قبیل سیل و زلزله باعث زحمت اهالی این شهر می‌شده‌اند. از آنجایی که این شهر از مناطق گرم و خشک محسوب می‌شود هر از چند گاهی خشکسالی این منطقه را فرا می‌گرفت. از قحطی سال‌های این نواحی قبل از دوره قاجاری به علت فقر منابع اطلاعی نداریم. در دوره قاجاریه چندین خشکسالی منطقه بلوچستان را فرا گرفته که یکی از آنها مقارن با حکومت عبدالحمید میرزا ناصر الدوله بر کرمان و بلوچستان (۱۲۹۹ تا ۱۳۰۰ ق) اتفاق افتاد و به همراه اخذ مالیات‌های سنگین باعث



گله کنت سراوان

شهر شده‌اند. تعداد مهاجران وارد شده به شهر سراوان در سال ۱۳۷۵ در حدود ۱۷۱۱۶ نفر برآورد شده است.

زبان مردم این شهر بلوچی است که ریشه در زبان‌های فارسی باستان دارد. لهجه آنها مکرانی ولی نزدیک به سرحدی است و در هر یک از مناطق و محلات شهر به خصوص در بین طوایف مختلف گویش و لهجه خاصی وجود دارد.

با وجود پیشرفت‌های شهرنشینی باز هم ساختار زندگی اجتماعی ایلی و طایفه‌ای در شهر سراوان مشاهده می‌شود. مهم‌ترین طوایف و اقوام ساکن در سراوان عبارت‌اند از: بارکزیایی، بزرگزاده، نوشیروانی، درازهی، جنگی زهی، حسین زهی، ملکزاده، حسین بر، رئیس‌سیاهی، دهواری، کرد، شیخ‌زاده، میرمرادزهی، شکل‌زایی، اسکانی، گمشادزهی، درزاده، نصرتی، سیاهانی، دهانی و غیر ساکنان شهر سراوان مسلمان و بیشتر آنان سنی حنفی هستند. اقلیتی شیعه اثنی عشری در این شهر به چشم می‌خورد که بیشتر آنان مهاجرانی از شهرهای شمالی استان و کارمندان ارگان‌های اداری و نظامی هستند.

فرهنگ مردم و آداب و رسوم:

ساکنان سراوان مردمی آزاده، میهمان‌نواز، دیندار، دانا، راستگو، سخت‌کوش، قانع، بردبار، غیرتمند، رشید و متعهد هستند. وفای به عهد یا قول و قرار سمبل زندگی آنان است. سادگی و یکرنگی در گفتار، کردار و پندار آنان نمایان است و زندگی در شرایط سخت طبیعی در زیر گرمای آفتاب آنان را مردمانی صبور، بردبار و مقاوم ساخته است. نظام اجتماعی طبقاتی در زمان‌های گذشته در این منطقه معمول بوده و حتی برده‌داری نیز رواج داشته است. اگرچه امروزه چنین پدیده‌هایی در این منطقه نفی می‌شوند، اما هنوز ریشه‌کن نشده‌اند و تبعیضاتی حقوقی، اجتماعی و غیره در سطوح مختلف جامعه مشاهده می‌شود و بعضی از کسانی که در گذشته از طوایف پایین جامعه بوده‌اند از این مسئله رنج می‌برند. بر خلاف آزاد بودن بردگان بر مبنای قانون همه کشورها، دست کم تا پایان دهه ۱۳۴۰ ش، وضع و اختیارات آنان در جامعه بلوچستان چندان تغییری نکرده بود. در حال حاضر هم شبی‌جی از آن وجود دارد و بسیاری از اعیان بردگان بدون اینکه در تملک اشراف باشند بعضی از کارهای خدماتی آنان را انجام می‌دهند.

اهالی سراوان در اغلب امورات زندگی از قبیل: ساختن مسجد، مدرسه، خانه و غیره با یکدیگر کمک و همکاری می‌کنند. قول و قرار در زندگی آنان اهمیت فراوانی دارد. ضرب المثل محلی «سر برود قول نرود» ضرورت پابندی به وفای عهد

نگرانی، بدبختی و حتی مهاجرت مردم شده است. خشکسالی سال ۱۳۴۹ و کم آبی ۱۳۷۷ به بعد که با نزولات ۱۳۸۳ اندکی از آن کاسته شده، از موجبات اساسی نگرانی‌ها و مشکلات ساکنان سراوانی به حساب می‌آیند.

■ مسائل مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی

براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۸۵ جمعیت شهر سراوان به شرح زیر بوده است:

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵
جمعیت به نفر	۲۲۷۳۰	۴۱۱۷۷	۵۹۶۱۰

در بررسی تاریخ گذشته سراوان متوجه می‌شویم که مهاجران زیادی در این شهر سکنی گزیده‌اند و همچنین مشاهده می‌شود چه بسا اهالی این شهر به نقاط دیگر مهاجرت کرده‌اند. به نظر می‌رسد ترکیب اجتماعی اقوام ساکن در این منطقه که کوچ‌های دسته‌جمعی را به دنبال داشته، قضیه را دوچندان نموده است. مهاجرت اهالی سراوان به نواحی دیگر یا ناشی از عوامل طبیعی مانند خشکسالی، طوفان، بیماری‌های مهلک و غیره بوده، یا بر اثر عوامل انسانی از قبیل تهاجم اقوام بیگانه، ظلم و ستم و شدت گرفتن مالیات‌ها توسط حاکمان قاجاری و مسائل این چنینی بوده است. در گزارش یکی از مأموران حکومت قاجاریه که برای صدراعظم آن دوره ارسال شده چنین آمده است: «به سر مبارک حضرت اجل اشرف در کراچی فدوی تحقیق کردم چهارده هزار بلوچ از رعایای جالق و دزک (سراوان) در کراچی بودند که فرار کرده و رفته‌اند که رعیتی دولت انگلیس را می‌کنند.» جمعیت سراوان در ۵۰ سال اخیر تقریباً ۱۵ برابر شده است. مهاجرت‌پذیری از شهرهای دیگر، تأمین پرسنل دستگاه‌های نظامی و اداری، خشکسالی و مهاجرت روستاییان به شهرها، بهبود امکانات بهداشتی، کاهش مرگ و میر و مواردی از این قبیل باعث رشد جمعیت این

را در میان افراد این منطقه آشکار می‌سازد. سوگند خوردن یکی دیگر از مسائل مهم شخصی و اجتماعی این قوم به حساب می‌آید. یکی از سوگندهای شایع در بین عوام «سوگند زن طلاق» است. قَسَم‌های آیینی ایران باستان از جمله عبور متهم از روی آتش یا درآوردن نعل از داخل روغن داغ و غیره تا چندی پیش در این منطقه مرسوم بوده است. امانت‌داری در میان اینان به وفور مشاهده می‌شود. گرایش به تقدیر و جبرگرایی به خصوص در بین افراد عامه و بزرگسال زیاد به چشم می‌خورد. در مواقع ضروری اگر کسی به قومی یا جمعیتی پناهنده شود به شدت از او حمایت می‌کنند. در اصطلاح محلی به این رویکرد «میار جَل» می‌گویند. جنگ و جدال و برخوردهای مردم این شهر اغلب تبدیل به جنگ‌های طایفه‌ای می‌شود. البته بلافاصله بعد از کشمکش‌های قومی بزرگان طوایف، رهبران مذهبی و ریش‌سفیدان، افراد دو گروه مخالف را وادار به صلح می‌کنند. مراسم صلح معمولاً در مساجد یا منزل یکی از بزرگان طایفه بی‌گناه برگزار می‌شود که در این صورت آن را «پَتر» می‌نامند. «زَحْم و کَپِن» (شمشیر و کفن) نمونه دیگری از پَتر است که در این صورت قاتل شمشیر یا تفنگ، کفن و کلام الله مجید را بر روی سینی نهاده و داوطلبانه تنها نزد دشمن می‌رود. مفهوم این کار این است که طرفداران مقتول یا او را با اسلحه کشته و به همراه کفن دفن نمایند یا به خاطر کلام الله مجید او را معاف کنند که اغلب این کار را می‌کنند. علی‌رغم طبیعت خشن منطقه میهمان‌نوازی مردم سراوان قابل تحسین است. بهترین لحظات زندگی آنان هنگامی است که میهمان دارند. پزشکی عامیانه در میان اینان رواج فراوانی دارد. هم طبابت داروهای گیاهی و به تن کردن پوست حیوانات و در موارد نادر داغ کردن معمول است و هم مراجعه به مَلاها و خواندن اوراد و گرفتن تعویذ مرسوم است که اغلب بیماران روان و اعصاب به این شیوه طبابت روی می‌آورند.

ساکنان سراوانی در گذشته خانه‌هایشان را از خشت خام، گل یا کاه گل می‌ساختند و سقف خانه‌ها را با چوب درختان گز و خرما می‌پوشانیدند. در هر حیاط معمولاً دو آلی سه خانه به طور ردیفی بنا می‌کردند و در وسط هر اتاقی چُل دان یا آتشدان برای افروختن آتش به منظور گرم کردن و پخت و پز ایجاد می‌کردند. امروزه بیشتر خانه‌ها با آجر، تیر آهن و سیمان با نقشه‌کشی و تزئینات جدید شهری ساخته می‌شوند.

پوشاک مردم این ناحیه متناسب با اقلیم آن است. لباس مردان شامل یک پیراهن بلند و شلوار گشاد پر چین است که به لباس بلوچی شهرت دارد و شباهت بسیار نزدیکی میان

شلوارهای بلوچی با شلوارهای توصیف‌شده عهد اشکانیان وجود دارد. افراد مسن علاوه بر آن دستاری نیز بر سر می‌بندند. نپوشیدن سر نزد بزرگسالان سنتی مذموم و ناپسند تلقی می‌شود. رنگ لباس‌های سراوانی‌ها معمولاً روشن، سفید، کرم و طوسی است. پوشاک زنان تقریباً مشابه مردان است با این تفاوت که تزئینات فراوانی در آن مشاهده می‌شود. معمولاً سر آستین‌ها، قسمت جلوی پیراهن، جیب پیراهن و قسمت پایین شلوار با نقش‌های بومی و محلی رنگارنگی سوزن‌دوزی یا گلدوزی می‌شوند. علاوه بر این زنان روسری مزین و رنگارنگی بر سر می‌گذارند که به آن «سریگ» می‌گویند. به هنگام بیرون رفتن از منزل چادر می‌پوشند که اغلب رنگ آنها مشکی است.

بیشترین مصارف خوراکی ساکنان این شهر بعد از گندم و نان، برنج و خرماست. خوراک‌های محلی با استفاده از مواد اولیه موجود در منطقه تهیه می‌شوند و شامل: شیلانج، تهاگ، انار آب، فلفل آب، شولو، کشک و شیرینی جاتی از قبیل: حلوا شکری، حلوا بری، حلوا چنگال، حلوا خرماهی، حلوا آبی و انواع ترش‌جات است.

تی موش، نان تینی، سیسرک، پرانی، برنجی و نان ترونی (تنوری) مهم‌ترین نان‌هایی هستند که در این منطقه پخت می‌شوند. بیشترین تهیه و استفاده را نان ترونی (تنوری) دارد و نان‌های دیگر در مواقع و موارد خاص تهیه و مصرف می‌شوند.

از آداب و رسوم مردم این منطقه بعضی موارد مانند مراسم تولد، ازدواج، تعزیت و اعیاد مذهبی نمود بیشتری دارد. در هنگام تولد نوزاد علاوه بر اینکه در گوش او اذان می‌خوانند مراسم جانبی دیگری نیز به منظور حفاظت نوزاد و مادرش از جن‌ها و عفريت‌ها برگزار می‌کنند. تا شش شب اقوام و نزدیکان خانواده صاحب نوزاد در خانه او جمع می‌شوند و شادی می‌کنند. آنگاه با ذبح قربانی در شب ششم شامی تدارک می‌بینند. ختنه کردن که سراوانی‌ها به آن سنت کردن می‌گویند همراه ساز و آواز و بسیار باشکوه برگزار می‌شود.

مراسم ازدواج امروزه زرق و برق گذشته را ندارد. در زمان‌های گذشته ازدواج در سنین پایینی انجام می‌گرفت. مراسم خواستگاری و مراسم مقدماتی عروسی از چند شبانه روز قبل از مراسم اصلی به تفصیل برگزار می‌شد. دختر و پسر در انتخاب همسر کمتر نقش داشتند و معمولاً رضایت والدین ارجحیت بیشتری داشت. از مراسم جالب توجه عروسی این است که حمام کردن داماد بیرون از شهر در رودخانه‌ها و کنار چشمه‌های آب صورت می‌گیرد.

موضوع ادبیات عامیانه در این شهر بسیار مفصل و پیچیده است. ضرب‌المثل، سخنان کنایه‌آمیز، چیستان و قصه‌گویی در زندگی اجتماعی مردم این خطه رواج فراوانی دارد. اشعار عامیانهٔ مرسوم در این منطقه شامل: لیکو، زهیروک، لیلو، موئک، هالو و لادو/لاضو است. لیکو از گونه‌های ادبیات شفاهی و از اولین زمره‌های شعری به حساب می‌آید که با سوز و گداز فراوان به صورت آوازی ممتد و یکنواخت خوانده می‌شود و عامیانه‌ترین شعر در نزد تودهٔ مردم است و گاهی به همراه موسیقی در مجالس شادی نیز خوانده می‌شود. زهیروک شبیه لیکو است اما با حُزن‌انگیزی بیشتری به مناسبت‌های غم و اندوه و سوز و گداز ناشی از هجران و فراق خوانده می‌شود.

لیلو بلوچی همان لالایی است که توسط مادر بزرگ‌ها و دیگران برای نوزادان خوانده می‌شود. موئک از گونه‌های ادبیات منظوم بلوچی است که به مجالس عزاداری و سوگواری اختصاص دارد. معادل مویهٔ فارسی، مرثیه عربی است و اغلب توسط گروهی از زنان در مجالس ترحیم خوانده می‌شود. هالو و لادو/لاضو از گونه‌های ادبیات شفاهی هستند که به مراسم جشن و شادمانی همچون: عروسی، و غیره اختصاص دارند. دُهل‌زنی و نواختن سُرنا در مجالس همگانی و رقص‌های دسته جمعی مردان بهترین وسیلهٔ سرگرمی و شادی و نشاط مردم سراوان است.

■ اقتصاد و مشاغل

از مشاغل عمدهٔ مردمان سراوان می‌توان به کشاورزی، دامداری، تجارت، صیادی و صنایع دستی اشاره کرد. وجود سلسله قنات‌های بی‌شمار سراوان حکایت از آن دارد که از گذشته‌های دور در این سرزمین کشاورزی رونق خوبی داشته است. امروزه نیز محصولات کشاورزی و باغی بسیار متنوعی شامل: گندم، جو، برنج، ذرت، باقلا، عدس، لوبیا، انواع سبزیجات، هندوانه، خیار، خربزه، انگور، انار، سیب، پرتقال، لیموی ترش و شیرین، زردآلو، شفتالو، انجیر، و مهم‌تر از همه خرما در این منطقه به عمل می‌آید. در حال حاضر خرما می‌مضافتی سراوان گذشته از کمیت و مقدار آن از لحاظ کیفیتی یکی از مرغوب‌ترین خرماهای ایران است. در زمینهٔ فعالیت‌های صنعتی در سال ۱۳۸۴ سراوان دارای ۱۸ کارگاه صنعتی کمتر از شش نفر، هشت کارگاه صنعتی شش الی نه نفره و ۲۰ کارگاه صنعتی ۱۰ الی ۴۹ نفره بوده است.

پارچه‌بافی، سوزن‌دوزی، سکه‌دوزی، بلوچی‌دوزی، گلیم، حصیر، سبد، زیورات سنتی، البسهٔ محلی و سفال‌گری از صنایع دستی مشهور این شهر به حساب می‌آیند. پارچه بافی تا چندی قبل یکی از صنایع مهم این شهر به شمار می‌رفت. مواد



درخت هزارساله در سراوان

در مراسم تشییع جنازه اکثر خویشاوندان و همسایه‌ها شرکت می‌کنند و زنان از حضور در مراسم تشییع جنازه و دفن میت منع می‌شوند. مراسم تعزیت را مردم محل «پُرسان» می‌گویند که تقریباً چهار شبانه‌روز به طول می‌انجامد. برای میت معمولاً مراسم شب اول، روز سوم، چهارده، چهلم و سال برگزار می‌کنند. سنگ قبر نه تنها در سراوان بلکه در کل بلوچستان مرسوم نیست و در قبرستان‌ها به جز پشته‌ای خاک بناهای دیگری مشاهده نمی‌شود.

اعیاد ملی در میان این مردم چندان جایگاهی ندارد و هرگز به پای اعیاد مذهبی نمی‌رسد. بزرگ‌ترین اعیاد سراوان عید فطر و عید قربان هستند. در این روزها تقریباً همه مردان شهر، جهت برپایی نماز عید در عیدگاه شهر جمع می‌شوند. در اعیاد گفته‌شده مردم سراوان به مدت سه روز جشن می‌گیرند، به دیدار بستگان می‌روند و از یکدیگر معافیت و حلال طلبی می‌خواهند. دادن مبالغی پول به افراد کوچک‌تر خانواده توسط بزرگ‌ترها بخشی از مراسم عیدی آنان است. به صورتی بسیار گسترده و فراگیر تمام خانواده‌ها در روز عید قربان به کشتن قربانی مبادرت می‌ورزند. در خانواده‌های مرفه برای هریک از اعضای بالغ خانواده و چه بسا برای اموات خودشان نیز جداگانه قربانی ذبح می‌کنند.

توسط عالم بزرگوار سید عبدالواحد سیدزاده تأسیس شد و در حال حاضر یکی از حوزه‌های مطرح استان به شمار می‌رود. این مدرسه اولین حوزه‌ای است که در بلوچستان ایران به سبک جدید دایر شده‌اند. مدرسهٔ دینی زنگیان توسط مولوی در محمد سیستانی و مولوی عبدالعزیز ساداتی و مجمع‌العلوم سر جو نیز توسط مولوی شهادت مسکانزهی که از علمای شهیر بلوچستان هستند بنیانگذاری شده‌اند.

سراوان در زمینهٔ علم، دانش، کتابخوانی و رونق کتابخانه از شهرهای مطرح استان به شمار می‌آید. تعداد کتب موجود در کتابخانهٔ عمومی شمارهٔ یک ۱۲۵۰۵ نسخه و کتابخانهٔ مجتمع فرهنگی و هنری ۷۸۹۵ نسخه گزارش شده است. علاوه بر اینها کتابخانه‌های حوزه‌های علمیه و ادارات دولتی این شهر نیز از رونق خوبی برخوردار هستند. نسخ خطی متعددی از عارفان و عالمان گذشته این شهر موجود است که نزد اعیان آنان نگهداری می‌شود و هنوز به چاپ نرسیده‌اند.

■ بهداشت و درمان

در سراوان یک بیمارستان و اورژانس، ۴ درمانگاه و ۵ داروخانه با پزشک متخصص و عمومی خدمات درمانی شهر را بر عهده دارند.

■ ارتباطات

وجود رشته کوه‌های بلند، دره‌های عمیق، بیابان‌ها و صحراهای وسیع پیرامون سراوان به همراه گرمای اقلیم آن بسیاری را بر آن داشته تا اهمیت راه‌های مواصلاتی مهم و تاریخی سراوان را نادیده بگیرند. بررسی تاریخ گذشته بیانگر آن است که از زمان‌های بسیار گذشته از سراوان راه‌های مواصلاتی و تجاری بااهمیتی به نواحی اطراف آن وصل می‌شد. گذشته از اینکه سراوان حلقهٔ اتصال تمدن‌ها و حکومت‌های گذشته ایرانی با هندوستان بوده، راه‌های متعددی آن را از مسیر کیچ و تیس با دریای عمان، از طریق قصدار به قندهار و سپس جادهٔ ابریشم، از طریق پیره (ایران‌شهر) با جیرفت و کرمان متصل می‌ساخته است. اسناد و مدارک باستانی به صورت تلویحی و جغرافی‌نویسان مسلمان از قرن سوم هجری به طور واضح و آشکار وجود راه‌های مواصلاتی ذکر شده را تأیید می‌کنند. امروزه نیز راه‌های زمینی مهمی سراوان را به شهرهای ایران‌شهر در غرب، راسک و چابهار در جنوب غرب، خاش و زاهدان در شمال غرب و پاکستان در شرق متصل می‌سازد.

سراوان فاقد سینما، فرودگاه و راه‌آهن و روزنامهٔ محلی است. اهالی شهر از امکانات مخابراتی و ماهواره‌ای برخوردارند.

اولیهٔ این صنعت با کشت پنبه تأمین می‌شد و علاوه بر تأمین لباس‌های اهالی محل پارچه‌های تولیدشده به نقاط دیگر نیز صادر می‌شد. در سال ۱۲۵۴ ق. در دزک (سراوان) دست کم هزار بافندهٔ منسوجات کتانی که پارچه‌هایشان به اطراف صادر می‌شده و صد بازرگان هندو بوده‌اند. سوزن‌دوزی در گذشته به صورت سنتی و به منظور تهیهٔ زیورآلات زنان کاربرد داشت. اخیراً در اثر راهنمایی و کمک فنی و مالی مرکز صنایع دستی و وزارت اقتصاد تنوعی در تولید فرآورده‌های سوزن‌دوزی به وجود آمده و محصولات جدیدی با هدف فروش و صدور این گونه کالاها تولید می‌شوند. سکه‌دوزی جهت زینت اتاق‌ها و ابزارهای مورد استفادهٔ شتران انجام می‌گیرد. حصیر بافی از صنایع دستی گسترده و فراگیر سراوان به شمار می‌رود. حصیر بافی از برگ نوعی درخت خرما و وحشی به نام «داز» که به صورت خودرو در اکثر نقاط سراوان می‌روید، تهیه می‌شود. از هنر حصیر بافی محصولات فراوانی از قبیل: حصیر فرش (تگرد)، جوال حمل خرما (کتل)، کیسهٔ پوشش خرما (سُند)، سبد خمره ای، کیف حصیری، کلاه حصیری، سبد نان، بادبزن، جارو، سواس (نوعی کفش)، گهواره، طناب و غیره تهیه می‌شود.

سفال‌گری کلهپورگان سراوان از شهرت بسزایی در استان برخوردار است. از سفالگری بیشتر برای ساخت وسائلی از جمله: کاسه، کوزه، پارچ، قوری، ظرف‌های پایه‌دار، دیزی، قندان، قلیان، خمره بزرگ، بشقاب و غیره استفاده می‌شود. بازارچهٔ مرزی کوهک نیز در طرف شرق سراوان قرار دارد که سالانه کالاهای زیادی از طریق آن به کشور پاکستان صادر و از آنجا وارد می‌شود. ارزش پولی صادرات این بازارچه در سال ۱۳۸۴ در حدود ۳۱۵۸۸۶۱ دلار و ارزش پولی واردات آن در همان سال ۸۶۸۰۶۵ دلار گزارش شده است.

■ تعلیم و تربیت و فرهنگ

در این شهر کلیهٔ مراکز آموزشی از پیش‌دبستانی تا مراکز پیش‌دانشگاهی دایر است.

مراکز دانشگاهی این شهر شامل: دانشکدهٔ اقتصاد کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، دانشکدهٔ پرستاری و مامایی و دانشگاه پیام نور هستند که همهٔ این مراکز در سال‌های اخیر تأسیس شده‌اند.

حوزه‌های علمیهٔ مهم سراوان شامل: عین‌العلوم گشت، دارالعلوم زنگیان، مجمع‌العلوم سر جو، اشاعه التوحید، حوزهٔ علمیه امام ابوحنیفه (ره) دزک و مکاتب زیادی که وابسته به مساجد یا حوزه‌های علمیهٔ بزرگ هستند، است. حوزهٔ علمیهٔ عین‌العلوم گشت در سال ۱۳۵۸ ق. در روستای گشت سراوان

می‌شود. از جمله نقوش کهن و اولیه این صخره می‌توان به گل‌های متشکل از هفت بز وحشی با شاخ‌های بلند و بدن کشیده به همراه نقش یک انسان اشاره کرد که در کنار هم قرار گرفته‌اند. نقوش دیگری نیز بعدها بر روی این تصاویر نقش شده که جدیدتر هستند و عبارت‌اند از: نقش انسان برهنه با بدن کاملاً مثلثی شکل، نقوش پنجه‌های دست انسان، نقوش حیوانی شبیه پلنگ با شیر، نقش دو شمشیر و نقوش‌های متفرق دیگر. تپه نمکی پدیده‌ای طبیعی و کم‌نظیر در روستای گشت از توابع شهر سراوان به چشم می‌خورد. این تپه نمکی مملو از املاح معدنی است که آرام آرام از دل آب جوشیده و بر سطح زمین روان گشته و آنگاه نمک‌های موجود در آب به صورت تپه‌ای بر جای مانده است. این مکان در گذشته مورد احترام و زیارتگاه مردم بوده است و مردم محلی معتقدند اگر پای متهمی را در آن فرو برند در صورت مقصر بودن پایش بیرون نمی‌آید و برای رها شدن باید حیوانی قربانی کنند.

شستان، سرجو و بخشان امروزه داخل شهر سراوان هستند. سراوان در حقیقت از دو روستای بزرگ شستان و بخشان ترکیب شده است. سرو کهنسال سرجو که مردم محل به آن «سول» می‌گویند نشانگر آن است که این سکونتگاه قدمتی دیرینه دارد. «دزک» نامی آشنا برای جغرافی‌نویسان و مورخان اسلامی بوده است. در پیرامون این روستا آثار و بقایای بسیاری به چشم می‌خورد. از جمله تپه صخره‌ای به نام کوه مهرگان در دزک سبب آن است که اهالی دزک بر این باور باشند که ساکنان قدیمی این روستا زردشتی بوده‌اند و در برخی از روزهای سال بر روی صخره مهرگان برای اجرای آیین‌های خاص خودشان آتش روشن می‌کرده‌اند.

تپه خاکی مرتفعی در نزدیکی روستای دزک وجود دارد که بر فراز آن خرابه‌هایی از یک قلعه دیده می‌شود. مردم محل به این تپه کوه روباهک می‌گویند. بنا بر حدس و گمان باستان‌شناسان این تپه از آثار پیش از تاریخ به شمار می‌رود. در قسمت شرقی دزک آثار قلعه‌ای مشاهده می‌شود که نزد مردم به کلا بلکیس (بلقیس) شهرت یافته است. در کنار آن خندقی عمیق است که در آن سنگ آسیای بسیار بزرگی به چشم می‌خورد. این سنگ به صورت سنگ زیرین آسیا استفاده می‌شده و حدود پنج تن وزن دارد.

از بناهای دیگر دزک مسجد جامع آن است که از جمله مساجد اولیه و قدیمی استان به شمار می‌رود. مصالح اصلی و اولیه مسجد از خشت خام و ملاط گل است. احتمال می‌رود این مسجد در قرن چهارم هجری ساخته شده و تا کنون به دفعات



امامزاده زهک - سراوان

■ مراکز آیینی، مساجد، امامزاده‌ها و آثار تاریخی

آثار کشف‌شده، شواهد تاریخی، تپه‌ها و محوطه‌های باستانی، سنگ‌نگاره‌های به جا مانده از دوران گذشته و قبرستان‌های تاریخی سراوان، این شهر را به گهواره تاریخ و تمدن مبدل ساخته است. تا کنون آثار فرهنگی، باستانی و تاریخی بی‌شماری در این شهر شناسایی شده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تپه روباهک، سنگ‌نگاره شیر پلنگان، قلعه امریان دره‌نگاران، قلعه بخشان، قلعه دزک، قلعه سرجو و شستان و آبادی‌های متعدد دیگر.

سنگ‌نگاره شیر پلنگان در فاصله ۱۲ کیلومتری شمال سراوان در محلی به نام دره شیر و پلنگان که از رشته کوه‌های سیاهان سراوان است واقع شده است. این دره را به واسطه وجود نقوش خاص دره شیر پلنگان می‌نامند. در این دره نقش یک حیوان درنده همانند پلنگ یا شیر با دمی بلند برافراشته بر روی صخره‌ای در ارتفاع ۵ متری به همراه نقوش کم رنگ چهار انسان دیده می‌شوند. در میان نقوش انسانی نفر دوم از سمت راست دارای وضوح بیشتری است و به نظر می‌رسد این چهار نفر در حال دویدن به دنبال هم و یا در حال اجرای مراسمی خاص هستند. در سمت راست دره به طرف شمال نقش انسانی دیده می‌شود که بزی را شکار کرده و گردنش را گرفته، آن را به دنبال خود می‌کشاند. در سمت چپ دره، صخره اصلی در ارتفاع حدود ۱۴ متری دیده

(۱۵)

سرایان



■ موقعیت شهر

سرایان از شهرهای استان خراسان جنوبی در ۵۸ درجه و ۳۱ دقیقه و ۲۹ ثانیه طول جغرافیایی و ۳۳ درجه و ۵۱ دقیقه و ۴۰ ثانیه عرض جغرافیایی در ارتفاع ۱۴۴۸ متری از سطح دریا واقع است.

فاصله سرایان تا بیرجند (مرکز استان) ۱۶۰ کیلومتر است. شهرداری سرایان در سال ۱۳۲۰ تأسیس شده است.

■ طبیعت

شهر سرایان در دشتی هموار در حاشیه کویر و در دامنه جنوب غربی رشته کوه‌های لشکرگاه قرار داشته و آب و هوای آن از نوع آب و هوای بیابانی خشک و سرد است. حداقل درجه حرارت مطلق در این شهر ۹/۸- درجه سانتی‌گراد و مربوط به دی ماه و بهمن ماه و حداکثر درجه حرارت مطلق نیز ۴۲/۷ درجه سانتی‌گراد مربوط به خرداد و تیر بوده است. همچنین متوسط درجه حرارت ماهانه در طول سال ۱۷/۲ درجه سانتی‌گراد (با حداکثر ۲۴/۶ درجه سانتی‌گراد و حداقل ۹/۷- درجه سانتی‌گراد)، دمای متوسط سالیانه حدود ۱۲ درجه سانتی‌گراد و میزان بارندگی سالانه آن ۱۴۵/۴ میلی‌متر است.

نزولات باران و برف با میزان بارندگی سالیانه نزدیک به ۲۱۲/۵ میلی‌متر است. متوسط حداکثر بارش‌های ماهانه متعلق به بهمن ماه ۳۸/۲ میلی‌متر و حداقل آن مربوط به مرداد ماه و نزدیک به صفر است. به دلیل کوهستانی بودن شمال و شمال

بازسازی شده است. معماران سعی نموده‌اند با استفاده از عناصر معماری ساده تزئینی به مسجد جلوه‌ای خاص بدهند از جمله می‌توان به تزئینات داخل شیستان تابستانی در جبهه غربی اشاره نمود. دیوارهای داخلی، شمالی، جنوبی و غربی دارای طاق نماهای تزئینی و تزئینات دندان موشی است که می‌توان آن را صورت اولیه مقرنس‌کاری به شمار آورد. از قسمت‌های اصلی مسجد می‌توان به شیستان‌های غربی، شرقی، حیاط مرکزی و چله‌خانه اشاره نمود. از دیگر مساجد مطرح سراوان مسجد نور است که در خیابان نبوت واقع شده و از حیث عمارت و مرکزیت حائز اهمیت است.

■ دانشمندان، شاعران و نام‌آوران

خواجه محمدشاه معروف به خواجه مرشد از عارفان معروف سراوانی که در اواخر قرن نهم هجری فوت کرده است. از ایشان دیوان شعری برجای مانده که شباهت نزدیکی به غزلیات حافظ دارد. هم‌اکنون مقبره ایشان از زیارتگاه‌های معروف سراوان به شمار می‌رود. سلطان باباجاجی دزکی نیز از عارفان مشهور سراوان در دوره صفوی بودند که مقبره‌اش به صورت زیارتگاهی باقی مانده است. مولوی شهیداد، مولوی عبدالعزیز ساداتی و مولوی نورمحمد یم پستی نیز از علمای بزرگ دینی این دیار به شمار می‌روند که در قرون سیزده و چهارده هجری خدمت علمی و فرهنگی ارزنده‌ای به مردم این دیار ارزانی داشته‌اند.

■ منابع

۲۰۸، ۲۰۴، ۱۷۵، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۵۲، ۱۲۷، ۵۱، ۲۴
۲۱۱، ۲۱۶، ۲۵۰، ۲۳۸، ۲۳۹، ۳۴۴، ۳۶۷، ۴۶۷، ۴۹۶
۴۹۹، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۳۷.

